

سلطنت دوم امیر دوست محمد خان

۱۲۵۹-۱۲۷۸ هـ ق

۱۸۴۳-۱۸۶۳ م

چشم و چراغان در کابل: امیر دوست محمد خان به شرحی که دیدیم بار اول، از ۱۲۵۴ تا ۱۲۵۵ مطابق (۱۸۳۷ تا ۱۸۳۸ م) مدت دو سال سلطنت کرد. مدخله و تهاجم اول فرنگی ها در افغانستان و برگردانیدن شاه شجاع بر تخت و در وقت چهار ساله تسلط مشترك آنها و واقعات مربوطه آن امیر دوست محمد خان را در جلای وطن در بخارا و هندوستان نگه داشت تا اینکه در پایان غلبه مجاهدین ملی، و کشته شدن شاه شجاع انگلیس ها به مراجعت وی به افغانستان تن دردادند و امیر دوست محمد خان در ۱۲۵۹ مجدداً به تخت کابل نشست. به مناسبت تجدید امارت، امیر مو صوف هفت شبانه روز بازارهای بالاحصار و کابل چراغان شد و ضرب این بیت در مسکوکات خاطره تجدید پادشاهی او را یاد میدهد:

بزرگ فضل عنایات خالق اکبر

امیر دوست محمد و باره سکه به زر

امین الله خان لوگری در مجلس سلطنت مجدد امیر دوست محمد خان شکل

بالاحصار کابل: یکنوع پادشاه گردشی مخصوص بخود داشت

که تا یک حد و اندازه از سایر پادشاه گردشی

های که در این اثر شرح داده ایم فرق داشت اول تر از همه شاهیه که به لقب امیر و بنام دوست محمد بر تخت می نشیند، تخت و تاج خود را قهراً در اثر هجوم یکانگان و شاه سدوزائی همدسه ایشان ترك داده بود ثانیاً شاه سدوزائی در اثر قهر ملی کشته و همکاران خارجی او قوای بیگانه مجبور به تخلیه میشوند و ثالثاً همان قدرت متهاجم مجبور به رجعت دادن پادشاه سابقه میشود. شبه نمی نیست که در طی چهار سال سلطه بیگانه و هرج و مرجی که تولید شد و حرکات ضد و نقیض رجال و خانواده ها بر له و بر علیه شاهان و خانواده های متقابل آنها و غیره شالوده هستی بسیاری از دودمان ها منزل گردید، بسیاری از رجال و خانواده ها تغییر جاه

و مقام و منزلت دادند و بسیاری به کشورهای همسایه مخصوصاً به هندوستان پناهنده شدند. یکی از ایجابات پادشاه گردشی هاجتی در حال عادی تر عزل و نصب رجال بود که تا حدی مظاهر آنرا در صفحه های قبل مشاهده کردیم. همین طرز باتجدید امارت امیر دوست محمد خان، خصوصاً که شاه در دوره های جلای و طن به نحوه رفتار رجال فکرها کرده بود، عده ای از صحنه برآمده و عده دیگر جایگاه ایشان را گرفتند. یکی از بزرگترین شخصیت های ملی که باتجدید امارت امیر دوست خان از صحنه برآمده، در محبس بالا خصار افتاد و حتی در نتیجه مریضی از میان رفت امین الله خان لوگری بود که در روزگار آن مشکل و آشفته با احساس مسئولیت ملی با آشوب حوادث ضد و نقیض بنجه داده اتصال و انفصال او با هر دسته و جبهه و بره بیشتر روی مصالح وطن صورت میگرفت. امین الله خان لوگری از زمان شاه زمان پسر تیمور شاه به بعد تا دوره دوم سلطنت امیر دوست محمد خان با تمام شاهان و شهزادگان که روی تخت سلطنت آمده و رفتند ساخته و هیچ گاه در مقابل دشمنان خارجی و جرات خاك وطن ضعف و سستی نشان نداد و باینکه تاریخ پرهنگا مه دوره حیات او سخت پهلوهای متضاد داشت وی در هر آن برای خود راهی میگزید که با مصالح عمومی وطن بیشتر موافق و سازگار می بود. وی همانطور که از بنیان گذاران درجه اول جنبش ملی علیه سلطه بیگانه فرنگی بود در استقرار امارت نواب محمد زمان خان، در تقویت سردار محمد اکبر خان، در مشاورت پادشاه شجاع، در وزارت و مشاورت پسران او فتح جنگ و بالاخره در حالیکه قوای فرنگی در اثر موافقه امیر دوست محمد خان بشکل مظاهره انتقام گیری وارد کابل گردیده بود؛ بحیث آخرین مظهر قدرت مقاومت ملی باغزبان کوه دامن و کوهستانی در تپه های استالفت در مقابل دشمن متجاوز ایستاده بود.

امیر دوست محمد خان عنده المراجعه بکابل در روزهای اول سلطنت دوم خود این مرد باتجربه و خد متنگار وطن را شاید روی برخی نظریاتی که بنظر خودش حساسی می آمد و شاید یکی از آن همکاری اخیر نایب لوگری و پسرانش را پادشاه شجاع و اولاده او قرارداد باشد وی را به محبس افکند تا در اثر مریضی در آنجا جان داد.

امین الله خان لوگری در تاریخ قرن ۱۹ افغانستان بحیث یکک زعیم بزرگ ملی تعلقنی شده که همیشه به خیر و صلاح قوم

مستشعر بود و مخصوصاً سلسله مجاهدت های او حتی در مواقع تنهایی و یأس عمومی
علیه متهاجمان فرنگی قابل بسیار تقدیر است .

دوره ۴۰ ساله امارت دوم امیر دوست محمد خان کرت دوم از ۱۲۵۹
تا ۱۲۷۸ مدت تقریباً ۲۰ سال کامل سلطنت کرد .

حوزه امارت اردر روزهای اول جلوس دوم بر تخت محدود بکابل و جلال آباد و غزنی بود
و چون سال های سلطه فرنگی و هرج و مرج داخلی تازه سپری شده بود در بساط
شاهی و ملی چیز زیادی باقی نمانده بود . درین فرصت در قند هار، سردار کهندل خان
و در هرات و زبیریار محمد خان الکوژائی و در صفحه های شمال هند و کش میران
محلّی نفوذ و آمریت داشتند و در گرد و نواح کابل و جلال آباد طایفه هاورجال
مختلف سر مخالفت بلند کردند و حتی در نفس در بار و در نفس شهر کابل سردار
سلطان احمد خان بن سردار محمد عظیم خان برادرزاده و داماد امیر دوست محمد خان
که از همکاران صمیم سردار محمد اکبر خان بود خویش را بزعم خود در امور
سلطنت ذبح دانسته ، رنجش های وی طوری از امیر دوست محمد خان بالا گرفت
که کابل را بقصد قند هار ترک گفته و بزرگ سرداران قندهاری کهندل خان را

علیه امیر دوست محمد خان اغوا کردند *و نظامات فرنگی*
چون تفصیل واقعات دوره ۲۰ ساله سلطنت دوم امیر خارج حدود این اثر است علاقمندان
بتاریخ های عمومی مراجعه خواهند کرد *امیر با صرف بسیار مساعی طولانی خود*
و فرزندانش سردار محمد افضل خان، سردار محمد اکبر خان (پیش از وقت در جوانی
بعمر ۳۱ سالگی وفات کرد) سردار محمد اکرم خان، سردار شمس الدین خان سردار
شیرعلیخان و غیره بعد از گذشت شش سال موفق شد که میران از بک و ترکمن را در
ولایات شمالی منقاد سازد (۱۲۵۶) و بعد از ۱۵ سال بعد از وفات سردار کهندل خان
قند هار را به حوزه سلطنت خود داخل کند و بعد از ۲۰ سال در روزهای اخیر عمر
و سلطنت، هرات را از قبضه تصرف سردار سلطان احمد خان (که بعد از وفات یار محمد خان
الکوژائی و پسرش سعید محمد خان احراز قدرت کرده بود) بیرون آورد . دوره ۲۰ ساله
سلطنت دوم امیر دوست محمد خان از نظر تاریخ عمومی فقط یک اهمیت دارد و آن
این است که درین دوره طولانی امیر موصوف که در اثر سقوط سلطنت اول و دوره
جلایی وطن بخته تر و باتجربه تر شده بود صرف مساعی خستگی ناپذیر بخرچ داد

تاقلمرو افغانستان را که پراگنده و در دست های مختلف اداره میشد تابع مرکز سلطنت بسازد.

وبای سال ۱۲۶۳ . در سال ۱۲۶۳ که مصادف بسال پنجم سلطنت دوم امیر دوست محمد خان میباشد مقارن ایام عید فطر آنرا ر و بادر کابل ظاهر گردید . در ایام عبد و بادر کابل شدت داشت و حینی که امیر در مسجد سپاه سنگ مشغول ادای نماز بود چند نفر از سپاهیان او مصاب شدند . امیر و خانواده شاهی از کابل برآمده و در قریه چهار آسیا به بیلاق رفتند و از مردم شهر کتاره گرفتند . از رجال معروفی که در اثر این وبا وفات کرد یکی نواب محمد زمانخان بود که از طرف ملیون در مقابل شاه شجاع شاه دست نشانده فرنگی ها به شاهی برگزیده شده بود ولی رسیدن سردار محمد اکبر خان از بخارا به کابل ، تخت نشینی های پسران شاه شجاع فتح جنگ و شاهپور در بالا حصار و رسیدن مجدد امیر دوست محمد خان و سایر پیش آمدها گاهی بوی موقع نداد که جز نام گامی از نوایی باشاهی خود بردار تا اینکه با تخت نشینی مجدد امیر دوست محمد خان کوچکترین امکانی برای پادشاهی وی باقی نماند و بالاخره در اثر وبا وفات کرد و در جو ارزبارت عاشقان و عارفان کابل دفن شد و این بیت در لوح مزار او خوانده میشود .

عقلم کشید آه و دل از صبر کند و گفت

دردا گزین زمانه محمد زمان برفت

سال اخیر عمر و سلطنت امیر دوست محمد خان : در سال ۱۲۵۸ هجری قمری حینی که امیر برای گذرانیدن فصل زمستان عازم جلال آباد میشد حرکت امیر بطرف هرات : نواسه اش سردار محمد علیخان پسر سردار حکمران کابل سردار محمد علیخان شیر علیخان را به حکومت کابل منصوب نمود . نواسه امیر : چون بوی اطلاع رسید که سردار سلطان وصول مژده فتح هرات بکابل احمد خان که در هرات حکومت علیحده قائم چراغان بازارهای شهر و بالا حصار کرده بود بفکر حمله بر فراره میباشد جمعی از رجال را فوری برای حرکت به آن سمت معین کرده و خود از عقب ایشان و به عجله تمام جانب کابل حرکت کرد .

سردار محمد علیخان حاکم کابل با سپاه و لشکر در سیاه سنگ به استقبال برآمد
امیر در روزهای عید فطر سال مذکور بکابل واصل شده و در مزنگ را لشکرگاه
خود قرار داد و در مدت ۱۷ روز توقف مشغول تهیه و تدارک سپاه خود بود.

حرکت امیر از کابل بطرف قندهارو از انجا جانب فرامو هرات تفصیل زیاد
دارد که بعلمت خارج بودن موضوع از همه آن صرف نظر میکنیم. هکذا موضوع
محاصره طولانی هرات و واقعات مربوطه آن از حدود این اثر خارج است تا اینکه
بالاخره با حوصله و تدبیر و استقامت امیر شهر مذکور فتح میشود و بحیث آخرین
کار نامه امیر موصوف در تاریخ دوره سلطنت او ثبت میگردد.

وصول مؤثره فتح هرات به کابل مسرت بی پایانی تولید کرد و به امر سردار
محمد علیخان بازار هارا چراغان کردند و بصورت شاد یانه سیصد و یک توپ زدند
و آتش بازی در دادند مرزا یعقوب علی خانی در جلد اول: «پادشاهان متاخر افغانستان»
درین مورد می نویسد: «به مجرد خبر فتح هرات نقاره خانه ها به صدا درآمد و امر به چراغان
شد و جمیع شهر کابل در کوچه و بازار و کوها اسباب آتش بازی و چراغان بر پا گردید»
«و تمامی بازارها مملو از شال و کیمخواب و زربفت و اسباب زرّی و فرش های اعلازیب»
«وزینت داده شد و توپ های آتش نشان سیصد و یک توپ شاد یانه میزدند و چنان اسباب عیش
و نشاط برپا بود که گویا کابل به عمر ندیده بود. خود بندگان سردار با سرکردگان و
بزرگان شب ها داخل شهر و بازار شده با لطف و محبت و زبان خوش و شفقت پدرا نه با
مردم خورد و بزرگ رفتار میکردند و از خوان احسان بر کرانش ملکی و جنگی صبح
و شام طعام تناول میکردند و فقیر و بی نوا صاحب نوا میشدند و بهر شخصی که میرسیدند
از شاه و گدا الفت کنان میگذاشتند چنانچه بهمین منوال هفت شبانه روز چراغان
مأمور بود و داد عیش میدادند و بعیش و عشرت نشسته بودند...»

وفات امیر دوست محمد خان چهارده روز بعد از فتح هرات امیر دوست محمد خان
بعمر ۷۲ سالگی بتاریخ ۲۱ شهریور حجه ۱۲۷۹ مطابق ۹ جون ۱۸۶۳ بدرود حیات
گفت و در جوار آرامگاه حضرت خواجه عبدالله انصاری دفن شد.